گفت‌وگوی «جوان» با برادر و همسر شهید سیدحسین حسنی‌نژاد که ۱۹ دی ماه به دست اغتشاشگران در گچساران به شهادت رسید

زندگی در فضای هیئت از او یک شهید ساخت

زینب محمودی عالمی

در فتنه امریکایی دی ۱۴۰۴ طی دو شب ۳هزار و ۱۱۷ نفر جان باختند. از این تعداد ۲هزار و ۴۲۷ نفر شهید شدند. در کل قصه سوریه و مدافعان حرم حدود هشت سال ۲هزار و ۱۰۰ نفر شهید دادیم. در هر کشوری که امریکا پا گذاشت جز فتنه انگیزی، ویرانی و استعمار، جنگ و خونریزی ثمره‌ای برای آن سرزمین و ملت نداشت. شهید سیدحسین حسنی‌نژاد جوان دهه هشتادی و عاشق آل الله بود و از کودکی دل در گرو محبت امام حسین(ع) داشت. برادرش می‌گوید: «سید حسین به طور مداوم به سفر معنوی کربلای معلی مشرف می‌شد و شهادت را از سید و سالار شهیدان هدیه گرفت.» سیدحسین روز نوزدهم دی ماه در پی ایجاد آشوب و اغتشاش از سوی مزدوران وطن فروش و تروریست‌ها برای تأمین امنیت مردم همراه دوستانش در خیابان‌ها بود که مظلومانه به شهادت رسید. آنچه می‌خوانید حاصل همکلامی ما با سیدمجتبی حسنی‌نژاد برادر و سیده زینب حسنی‌نژاد همسر شهید فتنه امریکا سیدحسین حسنی‌نژاد است که برای تأمین امنیت مردم در شهر گچساران به شهادت رسید.

برادر شهید

چه فضای تربیتی در خانواده حاکم بود که سعادت شهادت نصیب این جوان دهه هشتادی شد؟

ما در خانواده مذهبی در شهرستان گچساران به دنیا آمدیم. پدرم شغلش آزاد و مادرم هم اهل مسجد بود و ما را مسجدی تربیت کرد. سید هستیم و عشق به آل‌الله از آبا و اجدادمان در جان مان نهادینه شده است. برادرم سیدحسین اسفند ۱۳۸۱ به دنیا آمد. از کودکی اهل مسجد، بسیج و دلداده امام حسین (ع) بود. بسیار شاد، خندان و مذهبی بود. عاشق زیارت و سفر کربلا بود. به طور مداوم به سفر معنوی کربلا مشرف می‌شد. عاشق شهادت و هیئت و آهنگ‌های مداحی بود. سیدحسین ۱۱ سال از من کوچک‌تر بود. هر چند سنش پایین بود اما روح بزرگی داشت و ما را راهنمایی می‌کرد. برادرم همیشه مهربان بود. عصبانیتی در ایشان ندیدیم. خوش اخلاق و خوش برخورد بود. گویا از کودکی برای شهادتش آماده می‌شد.

بین بستگان تان شهید داشتید؟

شهید ابراهیم حسینی از بستگان دور ما و شهید ترحمی پسردایی پدرم در هشت سال دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

ایشان درباره شهادت‌شان چیزی می‌گفتند؟

تیر ۱۴۰۴ وقتی برای جنگ ۱۲ روزه به مأموریت در تهران رفته بود وصیتنامه نوشت. همیشه آرزوی شهادت داشت و به آرزویش رسید. شهید حامد کرمی پسرعموی ما هستند که همراه سیدحسین و شهید دارابی در جنگ ۱۲ روزه در تهران مأموریت بودند و همان‌جا وصیتنامه‌شان را نوشتند. به عشق شهادت به تهران رفته بودند و نهایتاً در فتنه امریکایی دی ۱۴۰۴ در گچساران خلعت زیبای شهادت پوشیدند و به آرزوی‌شان که جاودانه شدن در راه حق بود رسیدند.

شهید درباره دفاع از وطن چه می‌گفتند؟

برادرم عاشق ایران بود. با آنکه از همه کوچک‌تر بود ما را راهنمایی می‌کرد که برای وطن چگونه ایستادگی کنیم.

روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟

نوزدهم دی ماه ساعت ۱۰/۵ شب سیدحسین همراه دو دوست صمیمی‌اش به دست اغتشاشگران کنار هم به شهادت رسیدند. ساعت یک و نیم ما از طریق دوستان‌مان از شهادت‌شان باخبر شدیم. گویا در شهر بودند که یک گروه آمده و با اسلحه به اینها تیر زده بودند. سیدحسین و دوستانش مظلومانه به شهادت رسیده بودند.

امریکا و اسرائیل با وعده‌های پوچ و توخالی درصدد لیبی‌سازی و سوریه‌سازی ایران هستند، سخن شما با معاندان و فریب خورده‌ها چیست؟

امریکا و اسرائیل به عنوان سردمداران کفر جهانی دنبال چپاول منابع کشورهای دیگر هستند. به فرموده امام خمینی(ره) امریکا شیطان بزرگ است. اینها کور خواندند و نمی‌توانند کشور را از ما بگیرند. مردم ایران مثل کوه پشت ولایت فقیه هستند و نمی‌توانند به کشور ما آسیبی بزنند. این کشور مملکت امام زمان است و ما اعتقاد راسخ داریم ایران به دست امام زمان(عج) و امام رضا(ع) محفوظ است. سردمداران کفر در هر کشوری وارد شدند بلاهایی سر آن کشور آوردند که مردم‌شان هرگز رنگ آرامش، آسایش و امنیت را ندیدند. دشمنان دنبال تصاحب ایران برای منفعت و سودشان هستند. دل‌شان برای مردم ایران نسوخته و هرکاری می‌کنند برای سود و منفعت‌شان است. درسوریه، لیبی و افغانستان ببینید چه بلایی سر آن کشورها آوردند.

عده‌ای با عنوان نفوذی، معاند، اغتشاشگر و تروریست با دشمن همکاری کردند و این فتنه امریکایی را رقم زدند. دیدیم که مردم ایران مانند همیشه با اتحادشان نشان دادند دشمن در این کشور نمی‌تواند عرض اندام کند و مردم ایران مشت محکمی بر دهان دشمنان شان کوبیدند. ما مردم همیشه در صحنه ایران پشت ولایت فقیه هستیم و نمی‌گذاریم امریکا و اسرائیل به ما زور بگویند و کشورمان را با جان‌مان حفظ می‌کنیم. البته مسئولان هم باید دلسوز مردم باشند. وضعیت اقتصادی را ببینند. آنهایی که پشت ولی فقیه هستند شرایط بد اقتصادی را درک می‌کنند. مسئولان پشت مردم را خالی نکنند. قدردان جوانان باشند.

حرف‌تان با مردم برای حفظ و دفاع از وطن چیست؟

مردم غیور ایران همیشه تاریخ ثابت کردند پای وطن و کشورشان ایستادند و خواهند ایستاد. به عده‌ای کوتاه فکر و سطح اندیش که از دشمن انتظار کمک دارند می‌گویم فریب وعده‌های توخالی و پوچ دشمنان را نخورید، دشمن اسمش مشخص است، دشمن است.

خانواده چه دیدی نسبت به شهادت سیدحسین دارند؟

پدرم با اینکه جوان رعنایش را از دست داد اما می‌گوید شش پسر دیگر دارم که در راه وطن هدیه می‌کنم. پدرم وطنش را خیلی دوست دارد و حاضر است برای حفظ وطنش جانفشانی کند.

این روحیه سلحشوری که در شهدا بود و آموزه‌هایی که خانواده‌ها دارند از کجا نشئت می‌گیرد؟

شهید از کودکی عاشق راه شهادت بود. در هیئت‌ها و مساجد بزرگ شد و به مداحی علاقه داشت.

به شهید ابراهیم هادی و حاج قاسم سلیمانی علاقه داشت. با امام حسین(ع) خیلی انس داشت. مادرم فرزندانش را وقف امام حسین(ع) کرد تا در این راه باشند. روحیه سلحشوری ما از عشق به امام حسین(ع) است. ما در مکتب امام حسین(ع) مبارزه با ظلم و عشق به شهادت را آموختیم.

آخرین دیدار و آخرین تماسی که با ایشان داشتید چه زمانی بود؟

ساعت ۱۵:۴ نوزدهم دی ماه بود که تماس گرفت و گفت از خانه بیرون نیایید، خطرناک است، اما به صورت حضوری چون در مأموریت‌ها بود، او را حدود ۱۰ روز ندیده بودم.

از دلتنگی‌هایتان برای شهید بگویید.

ندیدنش خیلی سخت است. او به ما ثابت کرد عاشق شهادت بود. خیلی خوشحالم برادرم به آرزویش رسید. داغ جوان سخت است اما چون آرزوی شهادت داشت ما هم برای آرزویش خوشحالیم.

همسر شهید

تشابه فامیلی با شهید دارید، چه نسبتی با ایشان دارید و چه سالی نامزد کردید؟

من دخترعموی شهید هستم. شهید پنج سال خواستگارم بودند و شرایط ازدواج مان فراهم نمی‌شد. سربازی نرفته بود و شغلی نداشت. مشکلاتی هم بود که سعی می‌کرد این مشکلات را رفع کند و دوباره به خواستگاری بیاید. سال ۱۴۰۳ نامزد شدیم و روز عید غدیر سال ۱۴۰۴ عقد کردیم. قرار بود بعد از عید عروسی کنیم. به من می‌گفت دوست دارم نزدیک جایی باشم که تو زندگی می‌کنی و نفس می‌کشی.

جوان بود و قرار بود داماد شود. آرزوهایی برای زندگی‌مان داشت. با همه این آرزوها می‌دانست در صحنه‌ای که وارد می‌شود احتمال دارد شهید شود. با این حال برای دفاع از وطنش رفت و از تمام تعلقات دنیایی‌اش گذشت و شهید شد.

ما برای زندگی‌مان کلی برنامه‌ریزی کرده بودیم. روز اول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه عقد کردیم. او سه روز بعد از عقدمان وصیتنامه نوشت. وقتی با من حرف می‌زد می‌گفت دوست دارم بروم با کفار بجنگم. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با عموزاده ما شهید حامد کرمی و شهید حاج سامان دارابی به مأموریت در تهران رفتند. اگر می‌شد روزی چند دقیقه با هم تلفنی حرف می‌زدیم. تازه عقد کرده بودیم، دوست داشتیم زندگی خوبی داشته باشیم. به هرحال دوری خیلی سخت بود. او این راه را دوست داشت. از من پرسید اگر روزی جنگ شود و اتفاقی بیفتد جلوی من را نمی‌گیری؟ به من قول بده بند پوتینم را خودت ببندی. من این قول را به او دادم. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به تهران رفت و دفاع کرد.

وصیتنامه‌اش را هم نوشته بود و به من نمی‌گفت تا ناراحت نشوم. از وصیتنامه‌اش خبر نداشتم. با اینکه تازه عقد کرده بودیم و شوق زندگی داشتیم ولی او باز هم از من دل کند. در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود همسرم بعد از من آزاد است. دوران عاشقی کوتاهی داشتیم ولی بعد از من آزاد است. او از من هم دل کنده بود تا برود از کشورمان دفاع کند.

عشق به شهادت چگونه در جوان متولد ۱۳۸۱ نهادینه شد؟

او در تمام دوران کودکی و حتی جوانی‌اش با شهید حاج سامان دارابی بود. خیلی عاشق خدا و امام علی(ع) بود. ما از نسل امام حسین(ع) هستیم. سیدحسین دوست داشت اسم فرزندمان را علی بگذاریم. عشق به امام حسین(ع) و زندگی و نفس کشیدن در فضای هیئات و مساجد از او یک جوان بهشتی و شهید ساخت. سیدحسین آخرین باری که به زیارت جدمان امام حسین(ع) رفته بود طلب شهادت کرد. حتی سر سفره عقدمان هم آرزوی شهادت داشت و روز آخر با غسل شهادت از خانه بیرون رفت.

آخرین دیدار و تماسی که با ایشان داشتید چه زمانی بود؟

وقتی آخرین بار تماس گرفت، گفت شب تو را می‌بینم. شب ساعت ۱۲/۵ آمد و حدوداً ۲۵ دقیقه با هم حرف می‌زدیم. چون اغتشاشات داخل شهر زیاد بود خسته بود. هنگامی که می‌خواست برود یادم است جلوی در خانه پوتینش را پوشید و به من گفت به قولت عمل کن بند پوتینم را ببند. این آخرین دیدارمان بود. فردا ظهر ساعت ۲:۵۹ با من تماس گرفت و این آخرین تماس‌مان بود.

احتمال می‌دادید ایشان شهید شوند؟

همیشه وقتی درباره زندگی‌مان صحبت می‌کردیم او زمان کوتاهی را می‌گفت. می‌گفت زندگی ما کوتاه است. فکر می‌کردم در این دنیا ماندنی نیست اما فکر نمی‌کردم به این زودی شهید شود.

به کدام شهید خیلی علاقه داشتند؟

به شهید مدافع حرم هادی ذوالفقاری خیلی علاقه داشت. شهید هادی ذوالفقاری صبور، مهربان و از خودگذشته بود.به شهید ابراهیم هادی نیز بسیار علاقه‌مند بود. من هم شهید ابراهیم هادی را دوست داشتم. مادرم می‌گفت ان‌شاءالله همسری نصیبت شود که مثل شهید ابراهیم هادی باشد و خدا را شکر کسی قسمتم شد که مانند شهید ابراهیم هادی بود.

از روز حادثه و شهادت‌شان چیزی می‌دانید؟

ما در شهر گچساران خیابانی به نام خیابان هلال احمر و مسجدی به نام مسجد شهیدان داریم. اطراف این مسجد سیدحسین و دو دوستش شهید شدند. این سه نفر وقتی در حال آمدن به خانه بودند اغتشاشگران و فتنه‌گران مزدور امریکا زیر نظرشان داشتند و تعقیب‌شان کردند. هنوز نمی‌دانیم و دوربین مداربسته را به ما نشان ندادند. مزدوران کفر و استکبار امریکایی او و دو شهید دیگر را به گلوله بسته بودند.

حرف‌تان با معاندان نظام و کسانی که با موجودیت ایران مشکل دارند چیست؟

به طور کلی حرفم این است به فرموده حضرت آقا (حفظه الله) غاصبان صهیونیستی که سگ نگهبان امریکای جنایتکار در منطقه هستند نمی‌توانند با شهید کردن جوانان، ملیت، هویت، کشور و رهبری ما را زیر سؤال ببرند. نمی‌توانند با شهید کردن جوانان ما کشور ما را به دست بیاورند.

امثال نامزد من رفتند که کشور ما بماند. انقلاب اسلامی و رهبرعظیم‌الشأن ما بماند. همه ما جان فدای حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله) هستیم. با اینکه در نبود نامزدم به شدت بی‌تابی می‌کنم و ناراحت هستم ولی به این فکر می‌کنم او برای دفاع از ناموس و خاکش رفت ایستادگی کرد و شهید شد. احساس شعف و غرور می‌کنم و خیلی خوشحالم این افتخار نصیبم شد که همسر شهید شدم.

خصوصیاتی که عاقبت‌شان را به شهادت ختم کرد چه بود؟

به شدت صبور بود. همیشه غصه همه را می‌خورد. به شدت اجتماعی بود و پای درد دل همه می‌نشست. با ناراحتی‌شان ناراحت و با خوشحالی‌های‌شان خوشحال بود. می‌گفتم چرا اینقدر ناراحتی. اگر کاری می‌توانی انجام بده ولی او همیشه به خاطر ناراحتی دیگران ناراحت بود. به شدت مهربان بود و محبت می‌کرد. از خود گذشته بود و اقوام و دوستان را خیلی دوست داشت و به همه عشق می‌ورزید.

سخن پایانی.

راهپیمایی مردم در حماسه یوم الله ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۴ مشت محکمی بر دهان دشمنان ایران بود. واقعاً خوشحال شدم دیدم مردم هنوز پای کشورشان هستند. اگر امریکا و سگ نگهبانش دسیسه می‌کنند و اقتصاد ما را نشانه رفتند، این را بدانند خون جوانان ما ریخته شد برای اینکه این کشور بماند و این مردم در امنیت زندگی کنند و با هم اتحاد داشته باشند و پای شهیدان و انقلاب اسلامی و رهبرشان بمانند. انقلاب اسلامی به راحتی به دست نیامده است. مردم در کنار هم باشند و فریب این دروغ‌ها و دسیسه‌های امریکا و اسرائیل جنایتکار را نخورند. مسئولان مدیون شهدا هستند و باید بدانند بر صندلی‌هایی تکیه داده‌اند که ثمره خون بیش از ۲۰۰ هزار نفر است تا انقلاب اسلامی که حکومت الله در جهان است پا برجا بماند. مسئولان باید کارهایی انجام بدهند که کشور دچار چنین فتنه‌ها و بحران‌هایی نشود. از آنها تقاضا داریم به فکر مردم باشند. واقعاً مردم در تنگدستی به سر می‌برند. مردم مشکل دارند. مردم ایران پای انقلاب امام خمینی(ره) ایستادند. این مردم واقعاً حق قدردانی دارند، باید به معیشت مردم برسند.

شهید حسن نژاد به اتفاق دو تن از دوستانش به شهادت رسید و بود

سیدحسین تیرماه امسال برای کمک به مقابله با تهاجم صهیونیست‌ها به تهران رفته بود. همان زمان وصیتنامه‌اش را نوشته بود. عاشق شهادت بود و دوست داشت به دست ایادی کفر به شهادت برسد. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه قسمتش شهادت نبود اما آمد و در شهر خودمان گچساران به دست ایادی امریکا و دشمنان ایران شهید شد

تشییع پیکر شهید حسن نژاد در گچساران

در گچساران خیابانی به نام خیابان هلال احمر و مسجدی به نام مسجد شهیدان داریم. اطراف این مسجد سیدحسین و دو دوستش شهید شدند. این سه نفر وقتی در حال آمدن به خانه بودند اغتشاشگران و فتنه‌گران زیر نظرشان داشتند و تعقیب‌شان کردند. هنوز نمی‌دانیم و دوربین مداربسته را به ما نشان ندادند اما گویا سیدحسین و دوستانش را به گلوله بسته بودند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۵۱۹

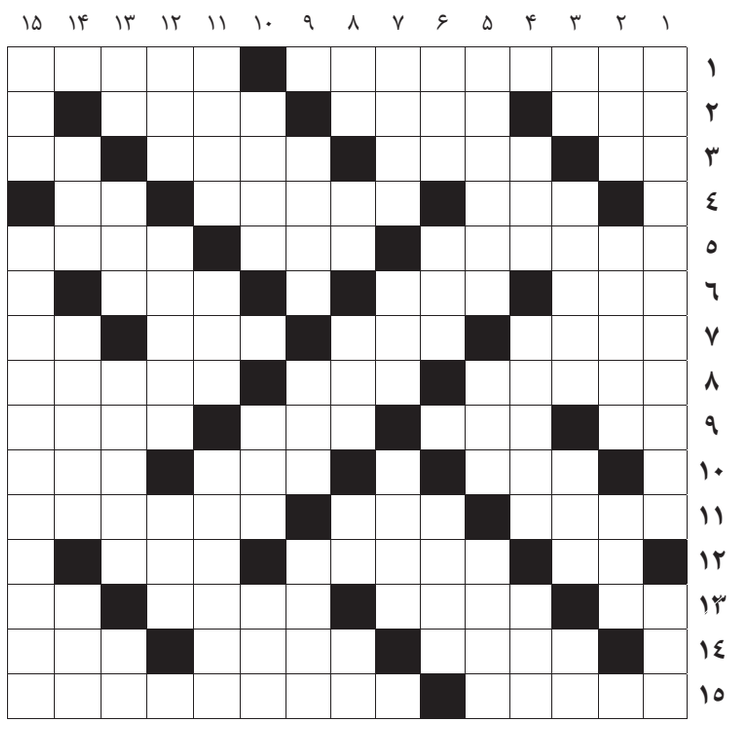

از راست به چپ

■۱-اقتصاددان اسکاتلندی مؤلف ثروت ملل-از عناصر فلزی ■۲-مقابل پود-ایالت جدایی‌طلب اسپانیا-شیرفروش ■۳-رودی در چین-شیر کوهی -نام قسمتی از کشور آلمان-از اخلاط چهارگانه طب قدیم ■۴-مادر آذری- سرپرستار-لنگه در ■۵-پستانداری از راستهٔ جوندگان- کیسه وسایل خیاطی- ستاره ■۶-تابستان آذری-از تعجب در می‌آورند-سال گذشته ■۷- زبان-نوعی پخت برنج-دختر انگلیسی-صدمتر مربع ■۸-گیاه رنگرزی-محل بازگشت-گوشه‌ها ■۹-بیماری سفیدک پوست-شکاف میان دیوارها-درخت و بوته گل ■۱۰- موی پیشانی اسب-زنگ-خوشحال ■۱۱-واحد طول فرنگی-از صورت‌های فلکی-بیماری روحی ■۱۲- پاروی قایقرانی-دلبر زیبا و محبوب-ایستگاه قطار ■۱۳-مترادف چاق-برگه دریافت-خرگوش-زهر ■۱۴-تست هوش بین‌المللی-کوه آتشفشانی ایتالیا-کوه رسالت ■۱۵-ماه انقلاب روسیه-ماده آهن‌دار قرمز خون

از بالا به پایین

■۱-ورزشی مفرح-فراسوی جو ■۲-نوبت بازی-مرکز کهگیلویه و بویراحمد-همراه خیز ■۳-صدمترمربع-دین‌ها-سبزی خرد کردنی--لخت ■۴-چاقوی جراحی-نیست و فنا شده-شک ■۵-کنایه از ضد هم-کشیدنی مضر در زندگی دیگران- گستاخ ■۶-از فرزندان نوح- گوسفند جنگی- شهر زعفران ■۷-منافذ پوستی-مجلس ترحیم-پول انگلیس ■۸-فرمولی برای مسابقات اتومبیلرانی-عید ویتنامی‌ها-مبهوت-نیم‌ساعت!-مخفف هستم ■۹-نوعی مرغابی کوچک سیاه‌رنگ-قلعه-دغل ■۱۰-نام سانه، بازیکن آلمانی منچستر سیتی-جامه جنگی-لون ■۱۱-بیعانه-کرک و موی نرم-پالس الکتریکی ■۱۲-مردم قرآنی-خط‌القعر جغرافیایی-سودن و به‌هم مالیدن ■۱۳-پول ژاپن-سدی در تهران-شهری در لرستان-دوستی ■۱۴-رو کفشی-تیمی در فوتبال اسپانیا-مجموعه یکدست ■۱۵-گوسفند ماده-بزرگ‌نمایی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳	۴			۸			
				۷	۴			۶
							۲	۹
۱			۸			۹		
۹				۶		۵	۴	
۷			۲		۳			
							۳	۸
			۱	۸	۷			
	۱	۲						

۸	۹	۶	۵	۴	۲	۴	۱	۷
۲	۵	۴	۸	۷	۱	۶	۹	۴
۷	۴	۱	۴	۹	۶	۵	۸	۲
۱	۶	۷	۴	۵	۴	۹	۲	۸
۴	۲	۹	۱	۶	۸	۷	۴	۵
۵	۸	۲	۹	۷	۴	۸	۶	۱
۹	۲	۸	۷	۴	۵	۲	۱	۶
۶	۷	۴	۲	۸	۹	۱	۵	۳
۸	۱	۹	۶	۲	۷	۵	۹	۴

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۵۱۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ه	ک	ر	د	■	چ	ر	ن	د	و	پ	ر	ن	د
۲	ر	م	ا	د	■	گ	ر	د	ن	■	چ	و	ل	ا	ن
۳	ی	س	ر	■	ه	ا	ن	ی	■	گ	ه	■	ه	ن	گ
۴	ا	ف	■	ت	م	ر	د	■	س	ر	د	م	■	و	ا
۵	س	ر	خ	ن	ا	ی	■	ا	ر	ت	ی	ش	و	■	ل
۶	ا	■	ر	س	ی	■	ج	ل	ا	■	ن	ت	ا	ج	■
۷	ل	م	■	ی	و	ز	■	ک	پ	ر	■	ه	ر	ن	چ
۸	ا	ر	س	■	ن	و	س	■	ا	ه	ن	■	ق	و	ی
۹	ر	ع	ن	ا	■	ر	ی	ا	■	ن	ا	و	■	ب	م
۱۰	■	ش	گ	ر	د	■	ل	ن	گ	■	ب	ی	ر	■	ز
۱۱	ه	■	ک	ا	س	ی	ا	س	■	ب	ا	ر	ع	ا	م
۱۲	ل	ل	■	م	ت	ا	ن	■	ر	و	ل	ه	■	م	و
۱۳	ا	ک	و	■	ر	ک	■	ر	ه	ا	م	■	ب	ن	ر
۱۴	ش	ه	ر	ا	ن	■	ل	و	ا	ر	■	ب	ط	ی	ی
۱۵	م	ن	ا	ر	ج	ن	ب	ا	ن	■	د	ا	ن	ت	ه